



Descriptive semantics of Khamr in the Holy Quran; focusing on the relationship of companionship and focusing on the concept of benefit

Reza Raoufian^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Boroujerd Branch, Islamic Azad University, Boroujerd, Iran. Email (Raz1146557@gmail.com)

KEY WORDS

The Holy Quran,
Descriptive semantics,
Relationship of
companionship,
Khamr,
Meaning of benefit
concentration.

ABSTRACT

Semantics is a field that delves into the understanding and explanation of words, unveiling new dimensions of meaning. One concept that requires in-depth exploration in semantics is "Khamr" (alcoholic drink), which has a notable presence in religion, society, and culture. There are various debates about its permissibility among both laypeople and experts. This study aims to address some doubts regarding whether Khamr is halal—a discussion some may intentionally engage in to disrupt personal and social life. The investigation follows a descriptive semantic method, focusing on syntagmatic relations. In the Holy Quran, Khamr is contrasted with words such as Dhikr Allah (remembrance of God) and Salat (prayer), and associated with Satan, Mayser (gambling), and Ithm (sin). One of the words appearing along with Khamr is 'benefit', which needs to be examined more closely in this regard. This analysis validates the authenticity of Quranic interpretations while considering the guiding and foresighted nature of the noble book. Semantic investigations reveal that alcohol—produced through fermentation—is seen as having some positive and practical features. Therefore, "benefit" in this context indirectly suggests that it is not synonymous with Khamr.

معنانشناسی توصیفی خمر در قرآن کریم؛ با محوریت رابطه همنشینی و تمرکز بر مفهوم نفع

رضا رئوفیان الف*

الف استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. ایمیل (Raz1146557@gmail.com)

چکیده	واژگان کلیدی
<p>معنانشناسی نوپدید است که پای به عرصه فهم و تبیین واژگان نهاد و ابعاد جدیدی از کارکردهای نهفته در معنا را آشکار کرد. از جمله واژگانی که نیاز است در کوره معنانشناسی ساخته و پرداخته شود، مفهوم خمر (نوشیدنی الکلی) است که حضوری کمابیش گسترده در حوزه های دین، اجتماع و فرهنگ دارد و در خصوص حرمت یا حلیت آن مباحثی در سطوح عوام و خواص مطرح است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف رفع برخی شبهات حلیت خمر که برخی عامدانه در جهت ضربه به زندگی فردی و اجتماعی انسانها بدان می پردازند، به بررسی این واژه با روش معنانشناسی توصیفی و محوریت رابطه همنشینی پرداخته است. خمر در قرآن کریم با واژگانی نظیر ذکر الله و صلوة رابطه همنشینی تقابلی، و با واژگان شیطان، میسر و اثم همنشینی تلازمی دارد. اما یکی از همنشینان خمر مفهوم نفع است که نیاز به بررسی دقیقتری دارد که آیا در زمره همنشینان تقابلی است یا تلازمی؟ بررسی این مسئله به نحوی است که هم به اصالت تعبیر، نیز جنبه هدایتگری و دور اندیشی قرآن کریم توجه شده است. مصادیق نفع طبق بیان اغلب مفسران سوده های ظاهری، جسمی و گذرا هستند؛ حال آنکه در بررسی های معنانشناسانه این نتیجه به دست می آید که پدیده الک- که بر اثر فعل و انفعالات درون خمر ایجاد می شود- با دارا بودن ویژگی های مثبت و کاربردی برای جامعه، از مصادیق نفع به شما می آید؛ لذا مفهوم نفع در اینجا به صورت غیر مستقیم در رسته همنشینان تقابلی خمر قرار می گیرد.</p>	<p>قرآن کریم. معنانشناسی توصیفی، رابطه همنشینی، خمر، معنای ارتكازی نفع، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷</p>

الدلالة الوصفية للخمر في القرآن الكريم؛ مع التركيز على علاقة الصحبة والتركيز على مفهوم المنفعة

رضا رئوفيان الف*

الف أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، فرع بروجرد، جامعة آزاد الإسلامية، بروجرد، إيران. البريد الإلكتروني (Raz1146557@gmail.com)

الكلمات المفتاحية:	الملخص
القرآن الكريم. الدلالات الوصفية، علاقة التجاور الدلالي، الخمر، معنى تركيز المنافع	علم الدلالة هو علم جديد قد بادر بفهم الكلمات و تبيينها و قد اظهر ابعاد جديدة للوظائف الخفيه فى المعنى. من الألفاظ التي تحتاج كثيرا إلى الدقة و التأمل فى دلالتها، هى مفهوم الخمر الذى له استعمال واسع النطاق فى مجال الدين و المجتمع والثقافه. و هناك نقاش و نزاع كثير حول حليته أو حرمة بين العوام و الخواص. قد بادرت هذه المقالة بالمنهج الوصفي التحليلي و بهدف حل بعض المشاكل حول شرب الخمر الذى ألقى البعض تحسينها بسبب الإضرار فى الحياة الفردية والاجتماعية للناس. بالطبع تم هذا العمل بالمنهج الوصفي الدلالي و من خلال التركيز على علاقة التجاور الدلالي. فى القرآن الكريم كلمه الخمر لها تقابل مع الكلمات كذكر الله و الصلوه، و لها تلازم مع الكلمات كشیطان والاثم و الميسر. لكن من الكلمات التي تصحب الخمر مفهوم المنفعة الذي يحتاج إلى دراسه و دقة؛ سواء كان هناك علاقته متقابله أو متلازمه؟ دراسة هذه المسألة من جهه قد نظرت إلى أصالة التعابير القرآنية و من جهة أخرى قد نظرت إلى الهداية و الاستشراق القرآنية بناء على قول مشهور المفسرين أما الدراسات الدلالية فتنتهى إلى هذه النتيجة أن الظاهرة الكحول التي مشتقة من الخمر يمكن أن تكون أحد الأمثلة من الفوائد للمجتمع البشرى؛ لذا وضع مفهوم المنفعة هناك مقابل للمفهوم الخمر.
تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٦/٢٧	
تاريخ المراجعة: ١٤٠٣/٠٨/٠٤	
تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٩/٠٧	

۱. مقدمه

معنانشناسی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی و نگارشی نو به درون و برون متن است که اولین بار در آراء سقراط دیده شد. (خسروی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲) معنانشناسی فلسفی وی راهی برای ورود به ساحت‌های دیگر از جمله معنانشناسی زبانی بود. با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، از آنجا که میان واژگان و جملات قرآنی پیوستگی معنایی خاصی برای القای پیامی خاص از طریق واژه برقرار بود. همچنین وقوع اشتراکات لفظی و معنوی فراوان، این فن مورد توجه قرار گرفت و باعث ایجاد علومى مانند علم مفردات، غریب القرآن و وجوه و نظائر شد؛ کتب "الاشباه و النظائر" مقاتل بلخی، "وجوه و نظائر" تغلیسی و "مفردات" راغب اصفهانی از جمله این فعالیت‌ها هستند. فعالیت‌های زبان‌شناسی در فضای علمی ادامه داشت تا اینکه در قرن بیستم، زبان‌شناسی بنام فردینان دو سوسور رویکردی را تحت عنوان ساختارگرایی در علوم انسانی پدید آورد. وی در ادامه فعالیت‌هایش بین دو بُعد هم‌زمانی؛ یعنی مطالعه معنا در یک مقطع زمانی خاص (معنانشناسی توصیفی) و در زمانی (معنانشناسی تاریخی) در مطالعات زبان شناختی تفکیک ایجاد کرد. در زبان‌شناسی توصیفی هر زبانی در هر برش زمانی به منزله یک نظام ارتباطی خودکفا و مستقل بررسی می‌شود. (روبینز، ۱۳۸۵، ص ۴۱۸) به تعبیر دیگر معنانشناسی توصیفی به مطالعه رابطه معنایی واژگان در یک حوزه معنایی در مقطع زمانی خاص می‌پردازد. (ایزوتسو، ۱۳۸۱، ص ۳۸) روشی که به ویژگی‌های قابل توجه در یک واژه، از قبیل انعطاف‌پذیری معنایی و سیاق توجه دارد. معنانشناسی توصیفی خود به دو بخش رابطه همنشینی و جانشینی در ساختار متن تقسیم شده است. (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶) این کار در جهت شناسایی قواعدی که باعث ارتباط بیشتر بین واحدهای زبانی می‌شد صورت گرفت. توضیح اینکه وقتی نشانه‌های زبانی در یک توالی زمانی و یک رابطه خطی (ساخت یا زنجیره گفتاری) طبق روال خاصی - بر روی یک محور افقی - در کنار هم می‌نشینند که اگر یکی از واحدهای همنشین جابجا یا حذف شود در مفهوم پیام خلل ایجاد می‌شود. این نوع رابطه را رابطه همنشینی گویند. (صوفی، ۱۳۷۹، ص ۲۷) رابطه دیگری نیز در بیرون از ساختار خطی (زبان) می‌تواند شکل بگیرد که شامل واحدها و نشانه‌های زبانی‌ای است که در ذهن و حافظه جای دارند و قابلیت جابجایی یا جایگزینی با نشانه‌های زبانی موجود در یک متن را دارند. این نوع رابطه را رابطه جانشینی می‌گویند. (همان) یکی از اندیشمندان که توانست علم معنانشناسی را خاصه در بستر قرآن و به سبک و سیاق امروزی وارد کند و بهره‌های خوبی از این پیوند مبارک دریافت کند، توشیهیکو ایزوتسوی ژاپنی بود که با طرح نظریه میدان‌های معنایی که نسبت در معنا را باعث می‌شد؛ نیز با خلق آثاری چون "خدا و انسان در قرآن" و "مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید" توانست به واسطه ارتباطات درون متنی قرآن، ابعاد دیگری از زوایای علم معنانشناسی را به نمایش درآورد. با این توضیح وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌شود، مشاهده می‌گردد این کتاب حکیم دارای ویژگی‌های بسیار مهمی در ساختار درونی و برونی خود است. کلامی به هم پیوسته که توالی و توازن معنادار و منظمی میان اجزای آن از قبیل حرف، کلمه، آیه، سوره و حتی فواتح و خواتیم سوره‌ها برقرار است. موضوع سیاق از اهم این قسم است. سیاق در حقیقت، راندن و توسعه معنا به جوانب است؛ به نحوی که یک سازواری و پیوند بین کلمات برقرار شود. همچنین سیاق ارتباط بین یک لفظ با مفردات دیگر در همان جمله یا جمله‌های دیگر است. (جعفری، ۱۳۸۸، ص ۶۳) به نوعی که پشتیبان و موید هم باشند. مفهوم تدبر که در آیه ۸۲ سوره نساء بدان اشاره شده به این معنا است که آیات ابتدایی را با آیه یا آیات انتهایی آن مقایسه کنند، پشت به پشت هم بررسی شوند تا ظرافت و حکمت خاصی که در این همنشینی‌ها هست به دست آید. ویژگی معنانشناختی دیگری که در قرآن کریم وجود دارد، موضوع جانشینی در عبارات قرآنی است. خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره زمر می‌فرماید: "اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا"؛ یعنی اینکه سراسر قرآن شبیه به هم و هماهنگ و هم‌گون با یکدیگر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰) در مجموع به دست می‌آید که در قرآن کریم ردّ پاهایی از معنانشناسی و تایید و تشویق به آن دیده می‌شود و قرآن کریم دائماً در حال ایجاد میدان‌های معنایی برای واژگان خود است و به مولفه‌های زیر زنجیره‌ای و فرازبانی نیز توجه ویژه دارد. اما یکی از مفاهیمی که در ادوار مختلف با زندگی فردی و اجتماعی انسانها در بعد خوردن و آشامیدن گره خورده و در کانون توجه قرآن کریم قرار گرفته، موضوع خمر (نوشابه‌های الکلی) و مسئله نوشیدن است که از دیرباز در زندگی بشری رسوخ پیدا کرد و با حضورش پدیده‌هایی نظیر تزلزل نظام خانواده، عدم امنیت و آرامش در جامعه، دوری از یاد خدا و نماز، رکود عقل، از بین رفتن سرمایه‌های ملی و انسانی، فقر، خودکشی، اختلالات روانی و جسمی، ضعف حکومتی و... افزایش یافت. با توجه به اهمیت موضوع خوردن و آشامیدن و تاثیرگذاری آن بر جسم و جان انسان؛ نیز تاثیر آن بر عملکرد و رفتار وی همواره این امر مورد توجه دین بوده و در این زمینه مباحث گسترده‌ای مطرح بوده است.

۲. پیشینه تحقیق:

خمر از جمله نوشیدنی هایی است که از آغازین روزهای زندگی بشر رونمایی شد. ابن عباس نقل می کند که آدم (ع) هنوز زنده بود که در میان فرزندان خود زنا و شرب خمر را مشاهده نمود. (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۳) با توجه با اینکه نوشابه های الکلی تقریباً هیچ گاه در دنیا به حالت تعلیق و تعطیل در نیامده است، لزوم پیگیری آن با عنایت به پیامدهای ناگوار فردی و اجتماعی اش همواره در کانون توجه شارع مقدس قرار داشته و در نتیجه در همه شرایع آسمانی محکوم به حرمت بوده است. اما این سخن که برخی مدعی شده اند که تحریم خمر از احکام تاسیسی در اسلام بوده و پیشتر در خصوص حرمت آن، چیزی وجود نداشته است (ویل دورانت، ۱۳۴۹، ج ۴، ص ۵۷۲)، سخن و دلیل موجه و قابل قبولی نیست. ادعای تعمیم ممنوعیت دو دلیل مهم دارد؛ یکی وجود زبان های متعدد بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و ... در مصرف خمر است که به صورت ذاتی و دائمی در آن وجود دارند؛ دیگری به دلیل ویژگی عدالت در خداوند متعال؛ به این معنا که اگر چیزی حرمت ذاتی داشته باشد و آسیب های آن دامن گیر فرد و جامعه شود، همواره توسط شارع مقدس محکوم به حرمت بوده است؛ نه اینکه برای عده ای حلال و برای افراد دیگری حرام باشد و این از عدالت خدا به دور است؛ لذا در روایتی به نقل از حضرت امام رضا (ع) بیان شده که خداوند هیچ پیامبری را نمی فرستاده است مگر آنکه خمر را در دین او تحریم نموده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۶) بر این اساس نخستین بار در کتب آسمانی و به زبان انبیاء (ع) این امر تحریم و دلایل آن بیان شده است؛ نمونه هایی از این قبیل موارد در کتب آسمانی گذشته و نیز در قرآن کریم وجود دارد؛ در کتاب اوستا این گونه آمده است: "زرتشت می گوید: ای اهورا مزدا! چه هنگام این می کشیف و مسکر برخواهد افتاد؟ چه وقت مردم به امر دین و اخلاق پی خواهند برد؟ کاهنان بدکردار بنام انجام مراسم مذهبی مردم را به نوشیدن آن ترغیب می کنند." (اوستا، باب یسنا، هات ۴۸، آیه ۱۰)؛ در تورات حداقل در هشت مورد موضوع نوشیدن خمر مورد مذمت واقع شده است. (زمانی، بی تا، ص ۲۲۹)؛ برای نمونه این موارد قابل ملاحظه هستند: "هرکس متوجه شراب شود عاقل نیست." (کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۲۰، آیه ۱). گاهی به ویژگی های منفی بعد از نوشیدن آن توجه شده است: "به ملایمت فرو می رود؛ اما در آخر مثل مار خواهد گزید و مانند افعی نیش خواهد زد. چشمان تو چیزهای عجیب خواهد دید. خواهی گفت مرا می زنند، لیکن درد را احساس نمی کنی." (کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۲۳، آیات ۲۹ و ۳۰) گاهی از زبان انبیایی همچون اشعای نبی (ع) از خمر مذمت می شود (رک کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۵، آیه ۲۲؛ همان، باب ۲۸، آیات ۱ تا ۴) از زبان یوشع نبی (ع) زبان های آن آمده است: "زنا و شراب شیره دل انسان را می رباید." (کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۴، آیه ۱۲) در جایی خداوند متعال خطاب به موسی (ع) می فرماید: "هیچ نوعی از مسکرات را ننوش و به پیروانت دستور صرف نظر نمودن بده." (کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۶، آیات ۱ تا ۳) نیز خداوند خطاب به هارون (ع) می فرماید: "تو و پسرانت هنگامی که در اجتماع هستید، شراب و مسکری را ننوشید، مبادا بمیرید. این یک فریضه ابدی برای نسل های شما است." (کتاب مقدس، امثال سلیمان، باب ۴، آیه ۱۲)؛ مواردی از این دست در انجیل نیز آمده است: "در گذشته به قدر کافی وقت خود را صرف کارهای ناپاک خدانشناسان کرده اید. عمرتان را به بی بندباری، شهوت رانی، مستی، عیش و نوش هدر می دادید." (کتاب مقدس، رساله اول پطرس رسول، باب ۴، آیه) از زبان پولس خطاب به مسیحیان روم آمده است: "کار درست این است که از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب یا هر کار دیگری که باعث ناراحتی و لغزش دیگران می شود صرف نظر کنید." (کتاب مقدس، نوشته های رسولان مسیح، باب ۱۴، آیه ۲۱) نیز آمده است: "شراب زیاد انسان را به راههای زشت می کشاند. در عوض از روح خدا پر بشوید." (کتاب مقدس، لوقا، باب ۱، آیه ۱۵) همچنانکه ملاحظه می شود در موارد فوق اشاره های فراوانی به آسیب های فردی و اجتماعی؛ نیز مادی و معنوی شراب شده است. در دین مبین اسلام و خاصه در قرآن کریم نیز مباحثی به صورت کاملا آشکار و به دور از تناقض گویی، با ذکر آسیب های آن مطرح شده است؛ برای نمونه در آیه ۶۷ سوره نحل خمر را از شمول روزی نیکو و حلال خارج می نماید؛ در آیه ۲۱۹ سوره بقره، سودمند بودن خمر را در مقایسه با آسیب های فراوان آن به محاق می برد؛ در آیه ۴۳ سوره نساء از ورود به نماز و مناسک مذهبی در حال مستی نهی می فرماید و در نهایت در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده خمر را نوشیدنی ای ناپاک، دستاوردی شیطانی، موجد عداوت و کینه توزی و مانع ذکر الهی و نماز معرفی و به دوری از آن دستور می دهد. لازم به ذکر است قرآن کریم در هنگامی که تحریم خمر پرداخت که اعراب دوره جاهلی غرق در آن بوده و خمر جزء جدایی ناپذیر زندگی ایشان بوده است؛ لذا این مهم در چهار مرحله و به صورت تدریجی انجام گرفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۹۶) در دوره های بعدی اسلامی با وجود اینکه همگان خاصه مسلمانان از تحریم خمر در اسلام مطلع

بودند؛ اما به دلایل متعددی از جمله عدم پایبندی اغلب خلفای اموی و عباسی به موضوع تحریم خمر، این داستان ادامه پیدا کرد و در خصوص مباحث مربوط به حرمت یا شبهه حلیت خمر در کتب تفسیری، تاریخی، فقهی، طبی و اخلاقی مطالب و مباحث فراوانی به آن اختصاص پیدا کرد. شاید بتوان گفت اولین اثر مستقل در زمینه خمر، کتاب "دَمُّ الْمُسْکِرِ" ابن ابی الدنیا قرشی (۲۸۱ ق) است که به زبان عربی بود و با بهره‌گیری از آیات و روایات به آثار منفی شراب در صفحات معدودی پرداخت. بعد از این کتاب اثر مستقل دیگری دیده نشده‌است؛ تا اینکه در دوره معاصر اقبال به سمت کتب مستقل در این زمینه آغاز شد و کتبی به فارسی یا ترجمه شده نظیر "روشهای آزمون مشروبات الکلی" محمدباقر تنکابی؛ "بررسی علل و عوارض استفاده از مشروبات الکلی" عباس سلگی؛ "آشنایی با الکل و مشکلات ناشی از مشروبات الکلی" جانانان چیک، "شراب طهور" مهدی فرزانه؛ "آب شیطان" راحل برهانی؛ "از شراب چه می‌دانیم" علی مویدی؛ "الکل و فرآورده‌های آن در فقه اسلامی" حسن وحدتی شبیری پدید آمدند که هر کدام در خصوص آسیب‌های خمر از زوایای تاریخی، عقلی، بهداشتی و... بیاناتی مطرح نمودند؛ اما در کتاب اخیر به موضوع سود در خمر اشاراتی شده‌است و نویسندگان به سودهای غیر نوشیدنی خمر که از طریق فعل و انفعالات شیمیایی یا غیر آن روی می‌دهد اشاره می‌کند. با این وجود در قریب به اتفاق کتب مذکور و کتب تفسیری دیگر به موضوع نفع در خمر به صورت دقیق و گسترده اشاره نشده‌است. اما قسمی از فعالیت نگارنده در این مقاله اختصاص به موضوع معناشناسی است. در این خصوص نیز کتب و مقالات فراوانی به زبان فارسی و لاتین پا به عرصه وجود گذاشته‌اند؛ از جمله کتاب‌های "نگاهی تازه به معنی‌شناسی" فرانک پالمیر، "درآمدی بر معناشناسی" کورش صفوی، "معناشناسی به مثابه روش" بخشعلی قنبری، "تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان" حمیدرضا شعیری؛ همچنین مقالاتی نظیر "معناشناسی واژه قضا در قرآن کریم" سید ابوالفضل سجادی و دیگران، "معناشناسی واژه سوء در قرآن کریم و چالش اراده معنای ارتکازی از آن" احمد امیدوار به چاپ رسیده‌است. اما طبق بررسی‌ها در خصوص معناشناسی خمر، یا معناشناسی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها تاکنون کتاب یا مقاله‌ای مستقل به چاپ نرسیده‌است. بر این اساس مقاله حاضر تلاش دارد فارغ از روش‌های پیشین در باب تشریح و ایضاح مسائل پیرامون خمر، با روشی معناشناسانه و با تأکید بر رابطه همنشینی این واژه را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

۳. طرح مسئله:

موضوع سلامت و توانایی جسمی برای پیشبرد منویات دنیوی و اخروی امری مبرهن، و موضوع خوردن و آشامیدن جزء جدایی‌ناپذیر آن است؛ بنابراین در شرع مقدس و حتی قوانین و مقررات بشری برنامه‌هایی برای سالم ماندن جسم و روح در نظر گرفته شده و حدود اخلاقی خوردن و آشامیدن در بعد کمی و کیفی مشخص شده‌است؛ زیرا "گاهی منشاء ارزش منفی اخلاق فرد به نوع خاصی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها باز می‌گردد و یا به نوعی تراحم که ممکن است سلامتی بدن یا روح و روان را تهدید کند و منشاء بروز رفتاری خاص در آدمی گردد". (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۲) قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا" (بقره: ۱۷۲) از آیه اخیر ارتباط خوردن با عمل صالح مشخص می‌شود. مفهوم این منطوق آن است که با خوردن و آشامیدن غیر طیب، انجام اعمال صالح در محاق قرار می‌گیرد. خمر نوشیدنی‌ای است که خاصه در حالت مستی بدن را در حالتی شکننده و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد و عقل را به عنوان نماد انسانیت و تدبیر امور، تهدید یا زایل می‌کند و باعث بروز مشکلاتی در زندگی می‌شود. همچنین اعتیاد به آن ویرانگر زندگی است. در طول تاریخ همواره تلاشهایی در جهت زینت بخشی به خمر با مدد تحریف در برخی کتب آسمانی گذشته؛ یا تاویل و تفسیر ناروای برخی آیات صورت گرفته که در جهت ترغیب شرب خمر اثر بخش بوده‌است. نکته مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه در کتب آسمانی پیشین و چه در قرآن کریم بعضاً واژگانی به کار رفته که به ظاهر به دوگانگی در خصوص حرمت یا حلیت خمر اشاره دارد و به بیانی دیگر دال بر حلیت خمر است؛ برای نمونه در قرآن کریم که محل بحث ما است، عبارت "مَنَافِعُ لِلنَّاسِ" در آیه ۲۱۹ سوره بقره قدری دارای ابهام است و در تفاسیر گذشتگان نیز به خوبی مسئله بود یا نبود نفع در خمر تبیین و حلاجی نشده‌است. اغلب تفاسیر مفهوم نفع در آیه مذکور را به نحوی معنا نموده‌اند که یک سود ظاهری-مادی گذرا دارد که نمی‌توان آن را سودی حقیقی در نظر گرفت و در مجموع مفهوم "ضرر" از آن استنباط می‌شود. لذا پرسش مهم مقاله این است که با نگاه معناشناسانه با وجود قرار گرفتن دو واژه متضاد در جمع همنشینان خمر؛ یعنی نفع و اثم در یک بافت زبانی در آیه ۲۱۴ سوره بقره، نیز با عنایت به جنبه هدایتگری قرآن کریم چگونه می‌توان در این خصوص به فهم صحیح از متن دست یافت؟ نگارنده

تلاش دارد تا با رعایت اصول و روش های علمی و اخلاقی حاکم بر فضای تفسیر و نیز با مدد از علم معناشناسی به بررسی این موضوع بپردازد.

۴. مفهوم شناسی خمر

واژه خمر (به فتح خاء و سکون میم) در فرهنگ لغات به معنای پوشاندن و نپان کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۸)؛ جماعت مردم و انبوهی آنان؛ سجاده کوچک؛ خمیر مایه؛ گل و لای؛ اختلاط (طریحی، ۱۴۰۸ق، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۹۳) کینه و حقد؛ بوی خوش و عطر (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ص ۲۵۶) و مایع مست کننده (مُسکِر) می باشد. وجه اشتراک جمیع معانی مذکور، معنای پوشاندن و تغطیه است؛ به این معنا که جمعیت و سجاده باعث پوشیده شدن قسمتی از زمین می شود. (مالوف، ۱۹۹۲، ص ۱۹۵؛ نحاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۳)؛ روسری، مقنعه و عمامه باعث پوشیدگی قسمتی از سر می شود؛ کینه و حقد امری ناپیدا است؛ خمیر و گل باعث اختفای آب در آرد و خاک می شود و در نهایت نوشیدنی های الکلی عقل آدمی را می پوشاند و در حقیقت این بدترین نوع پوشاندن نامحسوس است. بنابراین با این توضیحات اصل در ریشه خمر، مفهوم پوشاندگی و تغطیه است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۲۹) برخی انتخاب عنوان خمر برای تمامی نوشیدنی های الکلی را بیانگر مفاسد نهفته و پوشیده در مصرف این نوع نوشیدنی می دانند. (نورمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۷۸) که شاید در بادی امر خود را نشان ندهد؛ ولی در دراز مدت باعث بروز انواع بیماریهای عصبی، گوارشی، قلبی و ... می شود. از نقطه نظر دیگری کار خمر مخفی نمودن درد است؛ به این معنا که به دلیل مصرف مداوم آن که حکم مسکن را دارد، درد و پیامدهای آن به طور پیوسته نهفته و پنهان می ماند. اما در خصوص معنای اصطلاحی خمر - با وجود تعاریف متعددی که دارد - در مجموع باید گفت: هر مایعی که نوشیدنش باعث مستی شود، خمر است. لذا اگر آب میوه یا امثال آن به حدی از جوشیدن و تخمیر برسد که تولید الکل کند، آن مایع از جهت اینکه خاصیت مست کنندگی را به دلیل وجود درصدی از الکل در خود دارد در حکم خمر است؛ چنانکه از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرموده است: "كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ". (قرشی، بی تا، ص ۵۸) یعنی فارغ از نامهایی که خمر در عالم خارج دارد؛ همچنین جدای از اینکه از انگور، خرما یا هر چیز دیگری اخذ شده باشد، چنانچه خاصیت مست کنندگی داشته باشد در حکم خمر است؛ چه درصد الکل آن زیاد یا کم باشد؛ یا اینکه فرد با کمی نوشیدن مست شود؛ یا با زیاد نوشیدن. در هر حالت فرقی نمی کند. در تعبیر علمی و شیمیایی پدیده خمر نیز گفته اند: "خمر چیزی جز تجزیه قند نیست که می تواند به صورت های گوناگونی در طبیعت دیده شود و از منابع اولیه تهیه مایع الکلی است؛ لذا در فرآیند تخمیر مواد مایعی به وجود می آید که عمدتاً از آب و الکل تشکیل شده و نام آن خمر است." (وحدتی شبیری، ۱۳۷۶، ص ۳۳ و ۳۴) لازم به ذکر است ریشه "خ م ر" ۷ بار در قرآن به کار رفته است که به جز یک مورد در بقیه موارد اشاره به خمر مصطلح شده است.^۱ این ۶ مورد که بر وزن فَعْل می باشند، در سوره های بقره/۲۱۹، مائده/۹۱ و ۹۰، یوسف/۴۱ و ۳۶ و محمد/۱۵ قرار دارند.

۵. حوزه معنایی خمر بر محور همنشینی

در قرآن کریم، خمر و مهم ترین جانشین آن؛ یعنی سَکَر با واژگان صَلَوَةُ نِساء: ۴۳؛ مائده: ۹۱)، شَیْطَان (مائده: ۹۰ و ۹۱)، مَیْسِر (بقره: ۲۱۹؛ مائده: ۹۰ و ۹۱)، مفهوم نفع و اِثم (بقره: ۲۱۹) بیشترین رابطه همنشینی و با مفاهیم دیگر نظیر: ذکر الله (مائده: ۹۱) تعلموا (نساء: ۴۳) رزقاً حسناً (نحل: ۶۷)، رجس (مائده: ۹۰)، العداوة و البغضاء (مائده: ۹۱)، لذت (محمد: ۱۵)، اعصر (یوسف: ۳۶)، یسقی (یوسف: ۴۱) نیز کمترین رابطه همنشینی را دارد که البته موارد کم بسامد مورد بررسی قرار نگرفته اند. یک ویژگی در رابطه همنشینی این است که به گفته فرث می توان واژه را از روی همنشینان آن تشخیص داد. (پالمر، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱) بر این اساس معنای خمر را می توان از جمله بندی واژگان همنشین آن این گونه استخراج کرد؛ خمر نوعی نوشیدنی است که شیطان در تولید تا نوشیدنش نقش دارد؛ مایعی مست کننده (سَکَر) است؛ معمولاً همراه و همنشین با قمار (میسر) است؛ پرداختن و مداومت در آن، فرد را از یاد خدا (ذکر الله) که مصداق بارزش نماز (صلوه) است باز می دارد؛ لذا در دین نوعی گناه (اِثم) محسوب می شود. همچنین ممکن است برخی به گمان سود (نفع) - همچنانکه در کتاب خدا بدان اشاره شده

۱. آن یک مورد، واژه خَمْر در آیه ۳۱ سوره نور است که جمع واژه خَمْر به معنای روسری و مقنعه است.

است- آن را مصرف می‌کنند؛ حال آنکه منظور از نفع در آن، خلاف چیزی است که اغلب افراد تصور می‌کنند و آن چیزی نیست جز نفعی غیرمستقیم و غیر نوشیدنی از خمر. در این توضیح اجمالی می‌توان حوزه یا میدان معنایی خمر را تا حدودی ترسیم کرد. حوزه معنایی یعنی مجموعه واژگانی که از نظر دلالتی با هم مرتبط بوده و تحت عنوان عامی به هم پیوند می‌خورند. (مختار عمر، ۱۳۸۶، ص ۷۳) بر این اساس واژه عام خمر می‌تواند بسیاری از مفاهیم مرتبط با نوشیدن و مسائل پیرامون آن را با خود همراه کند که در ادامه به شرح برخی از این موارد پرداخته می‌شود.

۵-۱. صلوه

در معنانشناسی واژه صلوه به معنای دعا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۴۶۴؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۳۱)، تعظیم و خم شدن (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴) و عبادت مخصوص الهی (نماز) است. این واژه در دو آیه ۴۳ سوره نساء و ۹۱ سوره مائده به ترتیب با واژگان سُکّاری و خَمَر دارای همنشینی است. این واژه در بالاترین سطح تقابل با خمر است. در آیه ۴۳ سوره نساء، خداوند متعال می‌فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا هنگامی که بدانید چه می‌گویید." گرچه برخی سعی داشته‌اند مستی در این آیه را مستی خواب تفسیر کنند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۸۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۷۷) اما به نظر می‌آید با توجه به قرائن دیگری که در همین آیه هست؛ نظیر " جُنُبًا ... أَلْعَائِطُ ... لَا مَسْمُومَةَ الْبَسَاءِ " - که هر سه به موضوع نجاسات مرتبط می‌شوند- منظور، خمر و مستی حاصل از آن است. خمر با داشتن ویژگی " رَجَسٌ " که در آیه ۹۱ سوره مائده بدان اشاره شده است، جزء نجاسات به شمار می‌رود. پس مصداق بارز مستی در این آیه، مستی حاصل از نوشیدن شراب است؛ گرچه مستی خواب هم می‌تواند از مصادیق دیگر واژه سُکّاری باشد. خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره نساء ملازمت و تقارب مستی با نماز را مورد نکوهش قرار داده و از آن نهی فرموده است. لازم به ذکر است که پدیده مستی فرایندی است که در طی آن فرد با نوشیدن خمر فراوان و یا نوشیدن خمری که دارای درصد بالایی از الکل است به حالتی دچار می‌شود که قوه تعقل و مرکز فرماندهی بدنش دچار اختلال، در نتیجه از حالت عادی خارج می‌شود و در این حین اختیار گفتار، کردار و ادراک خود را ندارد و از آنجا که از شروط ظاهری نماز طهارت، تمرکز حواس، تعادل و قرائت دقیق عبارات نماز است، از نوشیدن خمر - که ممکن است فرد را به مستی بکشاند- نهی نموده است. همچنین در ابتدای این آیه عبارت " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا " آمده که خمر را در تقابل با موضوع ایمان که مصداق و نشانه ظاهری اش نماز است در نظر گرفته است. (قطب راوندی، ۱۳۸۸، ص ۵۹) آیه دیگری که با وضوح بیشتری در یک همنشینی، تقابل نماز و خمر را به تصویر کشانده، آیه ۹۱ سوره مائده است؛ آنجا که می‌فرماید: " إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد." خداوند متعال در این آیه یکی از کارکردهای مهم پرداختن به خمر را دوری و بازداشتن انسان از نماز به عنوان ذکر خاص الهی می‌داند. این قضیه به دو شکل امکان تحقق دارد؛ یکی اینکه پرداختن به خمر معمولاً همراه با لهو و لعب و امثال آن است که می‌تواند انسان را از یاد خدا و اقامه نماز دور می‌کند؛ خاصه اگر همراه با مستی باشد که خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره نساء از آن نهی فرموده است؛ دوم اینکه اصل ساحت نماز و خمر از هم جدا است؛ زیرا خداوند متعال خمر را - همچنانکه در آیه ۹۰ سوره مائده آمده- از اعمال و اوامر شیطان معرفی نموده است؛ در حالیکه نماز از اوامر خداوند است. نزدیکی به یکی، مستلزم دوری از دیگری است؛ البته منظور از نماز، تحقق صورت حقیقی نماز است. بنابراین نماز اصیل مصاحبش را از ورود به فحشاء و منکرات که یکی از مصادیق آن، توجه به خمر است باز می‌دارد؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: " إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ " (عنکبوت: ۴۵) لذا این دو از واژگان متقابل هم محسوب می‌شوند.

۵-۲. مَیسِر

مَیسِر واژه‌ای عربی و از ریشه یسر به معنای آسانی، و ضدّ شدت و سختی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ص ۵۲۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۹) میسر در اصطلاح فقهی به معنای قمار است (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۲۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۹۹)؛ یا هر چیزی که با آن قمار می‌کنند؛ نیز اشاره به هر مالی است که به آسانی و بدون رنج و سختی به دست می‌آید. (ابن منظور، پیشین) علامه طباطبایی نیز معنای اخیر را تایید نموده، گفته‌اند: "اصل در معنای میسر، سهولت و آسانی است... و قمار باز بدون رنج و تعب و به آسانی مال دیگران را به چنگ می‌آورد." (طباطبایی، ۱۳۷۴،

ج ۲، ص ۲۸۸) ولی ممکن است آن را به آسانی نیز از دست بدهد. با گذر از معانی لغوی و اصطلاحی میسر، همنشینی آن با خمر همنشینی نزدیکی است و تنها با وساطت حرف عطفِ واو و در سه جای قرآن کریم اتفاق افتاده است: سوره بقره؛ آیه ۲۱۹، سوره مائده؛ آیات ۹۰ و ۹۱. با بررسی پیرامون موضوع خمر و میسر برخی نکات در خصوص همنشینی این دو آشکار می‌شود. در سوره بقره آیه ۲۱۹ می‌فرماید: "يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا؛ از تو درباره خمر و میسر می‌پرسند. بگو در آن دو گناه و زیان بزرگ و منافع برای مردم است و البته گناه و زیان آن دو بیش از سودشان است". خداوند در این آیه از دو معضل بزرگ که منشا بسیاری از زشتکاری‌های دیگر است پرده برمی‌دارد و بیان می‌کند که این دو گناهی هستند که مردم آنها را سود می‌پندارند؛ حال آنکه دارای زیان‌های مادی و معنوی فراوانی هستند که سود مادی، تجاری و درمانی محتمل در آنها را به محاق می‌برد. همچنین در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده چنین آمده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام - که نوعی بخت آزمایی است - پلید و از عمل شیطان است. از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا این کار شما انتهایی دارد؟" در این دو آیه نیز خمر و میسر در کنار دو مورد دیگر در رسته نجاسات قرار گرفته‌اند و از مواردی هستند که شیطان اراده نموده است که همواره آنها را در میان آدمیان حفظ و تثبیت کند. خداوند متعال در همین آیات رستگاری را در ترک خمر و میسر قرار داده است. نیز می‌فرماید آن دو موجب دشمنی و کینه‌توزی در بین مردم هستند و از یاد خدا و نماز باز می‌دارند. از دیگر کارکردهای مشابهی که خمر و میسر دارند اینکه هر دوی آنها به آسانی به دست می‌آیند؛ میسر مالی است که در اثر قمار کردن و بنا بر شانس و احتمال و بدون زحمت کشیدن به دست می‌آید؛ خمر نیز نوشیدنی‌ای است که به آسانی ساخته می‌شود و به سهولت در دسترس افراد قرار می‌گیرد؛ نیز هر دوی آنها باعث می‌شوند که مال انسان به آسانی از بین برود؛ زیرا افرادی که اعتیاد به الکل دارند در اثر مداومت به آن به لحاظ اقتصادی آسیب‌های جدی می‌بینند. در اعتیاد به قمار هم امکان از دست دادن مال وجود دارد. نکته دیگر اینکه در عالم خارج این دو معمولاً همراه و ملازم همدیگر هستند؛ به این معنا که غالباً قماربازان، اهل نوشیدن خمر؛ نیز شاربان خمر اهل قمار بازی هستند و هر دوی آنها به‌طور معمول در مجالس لهو و لعب حضور دارند. فراوانی با هم‌آیی این دو باعث ایجاد آرایه ادبی لف و نشر مرتب شده است؛ در آیه ۲۱۹ سوره بقره، خمر و میسر به ترتیب با "إِثْمٌ كَبِيرٌ" و "مَنَافِعُ لِلنَّاسِ" توازن دارند؛ در آیه ۹۰ سوره مائده این دو با "رِجْسٌ" و "مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ" برابر آمده، و در آیه ۹۱ همین سوره نیز به ترتیب با "الْعَدَاوَةَ" و "الْبَغْضَاءَ" مرتبط می‌شوند. در حقیقت این دو، هم در برون متن و هم در خارج متن دارای رابطه باهم‌آیی هستند. باهم‌آیی یعنی "قرار گرفتن واحدهای زبانی در کنار هم، به این معنی که بعضی از واژه‌ها در زبان فقط با واژه‌های خاصی می‌توانند همنشین باشند" (بهبودی، ۱۳۹۴، ص ۶۵)

۵-۳. شیطان

شیطان از دیگر واژگان همنشین خمر است. این واژه از ریشه شطن (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۲۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۴) به معنای دور شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۳۷) و طناب (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۲۳۷) است. مصطفوی اصل این ریشه ثلاثی مجرد را به معنای "انحراف از حق و تلاش برای اقامه انحراف و کجی تا تحقق آن" می‌داند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۶۱) لازم به ذکر است مفهوم شیطان در همه ادیان اسمی عام برای هر موجود منحرف‌کننده و سرکش در برابر همه امور خیر است. شیطان در قرآن کریم به عنوان دشمن دائمی انسان‌ها معرفی شده که برای گمراهی آنها تلاش می‌کند. (ر ک زخرف: ۶۲؛ یوسف: ۵؛ کهف: ۵۰؛ اسراء: ۵۳؛ بقره: ۱۶۸) این واژه ۸۸ بار در قرآن آمده که ۷۰ بار به صورت مفرد، و ۱۸ بار به صورت جمع است. (عبدالباقی، ۱۳۷۴، ص ۴۸۵ و ۴۸۶) در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده همنشینی خمر و شیطان دو بار اتفاق افتاده است. در این آیات دو نوع رابطه بین خمر و شیطان برقرار است؛ یکی اینکه خمر را "مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ" معرفی نموده است؛ دیگر اینکه به اراده و تلاش شیطان در به انحراف کشاندن انسان از راه خمر و میسر اشاره می‌نماید. مفسران معنای "عَمَلِ الشَّيْطَانِ" را الفاء و تعلیم شیطان (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۶۱)؛ تجسم و تصرف شیطان بر فکر بشر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۸۰)؛ یا امر و دستور شیطان به انجام عمل شرب خمر می‌دانند. (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳، ق

ج ۱، ص ۱۳۵) شیطان و خمر یک وجه اشتراک نیز دارند و آن هم مفهوم عداوت است؛ برای نمونه قرآن کریم به تکرار شیطان را دشمن واقعی انسان (عَدُوٌّ مُّبِينٌ) معرفی نموده است. (رک زخرف: ۶۲؛ یوسف: ۵) نیز در آیه ۹۱ سوره مائده خمر را ابزار دشمنی شیطان برای از بین بردن همبستگی اجتماعی و شان اصیل انسانی به شمار آورده است؛ لذا رابطه شیطان و خمر یک رابطه همنشینی بر پایه اکمال خمر و یا تشدید معنای حقیقی خمر است؛ به این معنا که اگر شیطان در موضوع تولید، گسترش و تشویق به استفاده از خمر وساطت نمی‌کرد، چرخه تولید و مصرف خمر ناقص می‌ماند و به این درجه از گستردگی و تنوع نمی‌رسید. رابطه همنشینی در اینجا نیز بر تلازم و تقارن ترسیم می‌شود.

۵-۴. اثم

واژه اثم به معنای تاخیر و کندی، منع (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳)، ضرر و زیان (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱ و ۲، ص ۲۴) و خمر (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۷؛ تفلیسی، ۱۳۷۱، ص ۶) است. اگر اثم به معنای تاخیر و عقب راندن باشد، ارتباط آن با خمر از آن جهت است که باعث تاخیر انسان در رسیدن به کمال می‌شود؛ اگر اثم به معنای منع باشد، ارتباطش با خمر به این صورت است که بر اساس آیه ۹۱ سوره مائده انسان از یاد خدا و نماز باز داشته می‌شود و اگر اثم به معنای ضرر و زیان در نظر گرفته شود، ارتباطش با خمر به این صورت است که خمر آدمی را دچار زیان های مالی، جسمی، روانی و معنوی می‌کند. معنای اخیر اثم معنای دقیق تری به نظر می‌آید؛ زیرا در قرآن کریم در ۱۷ مورد، مقابل واژه "ضر" واژه نفع همنشین شده است؛ لذا ضرّ در حقیقت جانشین اثم به شمار می‌رود. لازم به ذکر است واژه اثم در قرآن کریم و ادبیات عرب غالباً در رابطه با خمر تداعی شده است و در میدان معنایی آن قرار دارد؛ توضیح اینکه در شرایع دینی و در اغلب فرهنگ‌ها و عقاید، نوشیدن خمر نوعی گناه محسوب و آسیب‌های مادی و جسمی آن تجربه شده است. این ملازمت و هم‌آیی آنقدر پررنگ شده که برخی مواقع به جای خمر از اثم استفاده شده است؛ در بسیاری از تفاسیر، ذیل آیه ۳۳ سوره اعراف که می‌فرماید: "قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ" از زبان تعدادی از صحابه و تابعین نقل شده که تنها مصداق یا حداقل یکی از مصداق‌های واژه اثم را خمر دانسته‌اند. (رک آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۱) همچنین در برخی اشعار عربی نیز جانشینی اثم به جای خمر دیده می‌شود؛ ابن جوزی می‌سراید:

"شربت الإثم حتى ضلّ عقلي كذاك الإثم تصنع بالعقول" (زبیدی، بی تا، ج ۱۶، ص ۵)

در این بیت قرینه‌های "شربت" و "ضلّ عقلي" بیانگر ذات و پیامد نوشابه‌های الکلی (خمر) هستند. همچنین در شعری که شاعری در مجلس ابوالعباس سروده، این‌گونه آمده است:

"نثرب الاثم بالصواع چهارا و تري المشك بيننا مستعرا" (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۸۸)

قرینه‌های "نثرب" و "صواع(جام)" تداعی‌گر مفهوم خمر هستند؛ به عبارتی دیگر واژه اثم در این بیت اخیر راهی جز پذیرش معنای خمر ندارد. با گذر از این مقدمه در قرآن کریم در دو مورد همنشینی اثم و خمر اتفاق افتاده و آنهم تنها در آیه ۲۱۹ سوره بقره است؛ آنجا که می‌فرماید: "يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ لَكَبِيرٌ مِّنْ نَّفْعِهِمَا" دو واژه منافع و نفع به ترتیب بعد از اثم قرار گرفته‌اند. خداوند متعال در اینجا اشاره نموده است که در خمر و میسر، اثم وجود دارد؛ یعنی اینکه شرب خمر گناهی بزرگ است و در ادامه می‌فرماید که گناهش بزرگتر از نفع متصور از آن است. بر خلاف آیه ۳۳ سوره اعراف - که واژه اثم به صورت عام آمده - در این آیه مصداق بارز اثم که همان خمر است به صورت خاص مطرح شده است؛ لذا در ادبیات و فرهنگ دینی و نوع بدون تحریف آنها، این دو واژه دارای رابطه تلازم و باهم‌آیی نسبی هستند.

۵-۵. نفع

واژگان منافع و نفع در آیه ۲۱۹ سوره بقره در زمره همنشینان خمر و به طور آشکار به خمر تعلق دارند. منافع از ریشه نفع به معنای خیر (طریحی، ۱۴۰۸ق، ۴/ ۲۵۳) و در تقابل با مفهوم زیان است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۳۵۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۸) همچنین نفع به معنای هر چیزی است که به وسیله آن انسان به خیر و نیکی دست یابد. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۹) واژه منافع هشت بار در قرآن کریم آمده که درباره ایام حجّ (حجّ: ۲۸)، آهن (حدید: ۲۵)، چهارپایان (نحل: ۵)، شیر (یس: ۷۳) و خمر

(بقره: ۲۱۹) کاربرد دارد. نفع در چهار مورد اول، امری بدیهی؛ اما در مورد اخیر دارای ابهام است؛ به این معنا که با وجود تحریم قطعی خمر دلیل و معنای منفعت داشتن آن چیست؟ در ادامه سخنی برخی مفسران بیان و به اجمال نقد و بررسی می شوند.

۵-۵-۱. وقوع ایجاز در کلام

برخی مفسران این فراز از آیه ۲۱۹ سوره بقره را این چنین در تقدیر گرفته اند: "وُ فِي تَرْكِهِمَا مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ" (کاشانی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۷۰؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۰)؛ یعنی در ترک و رها نمودن خمر، منافی وجود دارد. این نظریه نگاهی سلبی به موضوع خمر داشته و موضوع سود در خمر را به کناری می نهد. اما این نوع برداشت که عبارات مثبت، منفی معنا شوند و بالعکس در ادبیات قرآنی معمول و مرسوم نیست؛ لذا ایجاز و کلی گویی های قرآن کریم در مواردی نیست که معنای ثانویه بر خلاف معنای اولیه آیه باشد.

۵-۵-۲. نفع در خمر، قبل از تحریم آن

برخی عبارت "مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ" را انتفاع مباح از خمر در دوره قبل از تحریم آن معنا نموده اند. (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ رازی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۱۵)؛ به این صورت که چون درباره حرمت نوشیدن خمر، تا هنگام تحریم آن آیه ای نازل نشده پس هر گونه بهره برداری از آن؛ نظیر نوشیدن گناهی در پی نداشته است؛ چنانکه قرآن کریم نیز مؤمنانی که تا قبل از تحریم قطعی خمر، شراب می نوشیدند و از دنیا رفته بودند را بی گناه برشمرده است: "لَيْسَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا..." (مائده: ۹۳) با این توصیفات نفع در خمر تا قبل از محدوده زمانی تحریم قطعی آن بوده است. اما این دیدگاه نیز کامل نیست؛ زیرا ادامه همین آیه تنها اهل تقوا، ایمان و احسان را از این قاعده یعنی عدم گناه آلود بودن خمر برای افراد، استثنا نموده است؛ دوم اینکه آسیب های جسمی و روانی خمر در ذات آن وجود داشته و مربوط به یک مقطع زمانی خاصی نمی شده است؛ لذا همواره مورد تحریم شرایع گذشته و بعدا در اسلام بوده است؛ مگر آنکه نفع را سودهای مادی در نظر بگیرند که این مطلب نیز با توجه به همیشگی بودن این قبیل سودهای کذایی نظر درستی نمی تواند باشد.

۵-۵-۳. منافع مادی - ظاهری خمر

نوشیدن خمر برای شاربان خمر منافی از جمله لذت بردن (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۳)، حالت آرامش بخشی، شادی حاصل از مستی، خروج از قید و بندهای اجتماعی (فضل اله، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۲۱)، تسکین برخی بیماری ها، تسهیل هضم، تکثیر ادرار، تقویت شهوت، بی باکی در جنگ (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۲۵)، ایجاد خلصه در افراد برای انجام امور سخت و مهم و تحصیل راستی آزمایشی افراد (شیخاوندی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۹ و ۳۹۱) را در پی داشته است. البته این دیدگاه نیز اشکالاتی دارد؛ توضیح اینکه هدف خداوند متعال از اتیان عبارت "مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ"، بیان دلایل و اسباب اخیر نبوده است؛ زیرا این فواید ظاهری بر کسی پوشیده نبود؛ به عبارت بهتر چنانچه این فواید مد نظر شارع مقدس بود، احیانا تایید و تاکید بر شرب خمر به شمار می رفت؛ حال آنکه چنین نیست.

۵-۵-۴. موضوع نسبت شر

با توجه به اینکه بیان سخن غیر حکیمانه از خداوند حکیم محال است؛ لذا با دقت در مسائل می توان به مراد و منظور خداوند از بیان این عبارت شبهه ناک پی برد؛ توضیح اینکه براساس قاعده نسبت شر، شر مطلق وجود ندارد و اساسا اگر چنین دیدی نسبت به مسائل وجود داشته باشد، ناشی از جزئی نگری یا جهل آدمی است. (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۳۵) لذا ممکن است از درون چیزهای به ظاهر زشت و نادرست، به خیر و خوبی امیدوار بود. در آیه ۶۶ سوره نحل- که در سیاق آیات مربوط به خمر قرار دارد- به صورت ضمنی به نوشیدنی ای بنام شیر اشاره شده است که از بین فرث (سرگین حیوان) و دم (خون)- که دو امر منفور و زشت هستند- بیرون می آید؛ یعنی شیر از مسیر دو چیز زشت به وجود آمده است. مفهوم آیه این است که می توان از خود شراب نیز- که امری منفور است- چیزی که موجب خشنودی خداوند متعال باشد بیرون آید. در حقیقت خداوند متعال از یک پیشگویی و اعجاز علمی پرده برداشته است؛ یعنی استفاده درست از امری نادرست؛ توضیح بیشتر اینکه در قرن سوم هجری این قوه به فعل تبدیل شد و دانشمندی بنام محمدبن زکریای رازی توانست با انجام آزمایش هایی بر روی شراب به

ماده‌ای جدید بنام الکل دست یابد. الکل از زمان اولین تولیدش تا اکنون به عنوان پرمصرف‌ترین ماده شیمیایی در فرایند ساخت، سنتز، جداسازی و تولید مورد استفاده قرار گرفته‌است و بهترین حلال آلی در آزمایشگاه‌ها و صنایع داروسازی است؛ همچنین برای حفاظت از رشد میکروبی در فرآورده‌های دارویی، ساخت روکش قرص‌ها، ضدعفونی‌کننده پوست، صنایع تبدیلی، آرایشی و چرم‌سازی (وحدتی شبیری، ۱۳۷۶، ص ۳۲) و سوخت و سائل نقلیه کاربرد فراوانی دارد. ناگفته نماند حتی قبل از کشف الکل در برخی دوران گذشته منافع و کاربردهای غیرنوشیدنی خمر از قبیل خاصیت ضدعفونی‌کنندگی آن برای شستشوی اجساد فراعنه (دورانت، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۲۲۶)، شستشوی زخم‌های بدخیم و امثال آن (هروی، ۱۳۴۶، صص ۱۲۳-۱۲۵) مرسوم بوده‌است که همگی این کاربردها اشاره به منافع حقیقی و خداپسندانه در خمر دارند؛ لذا در خصوص دو واژه خمر و منافع نسبت عموم و خصوص من وجه رخ داده‌است؛ به این نحو که بعضی کاربردهای خمر؛ نظیر استفاده غیر نوشیدنی و الکل دارای انتفاع هستند؛ همچنین بعضی از منافع درست یا نادرست از ناحیه خمر به دست می‌آید.

۶. نتیجه گیری

۱. همنشینان اصلی خمر دو گونه هستند؛ یا دارای تقارب و تلازم و باهم‌آیی با آن هستند؛ از قبیل شیطان، میسر، رجس، العداوه و البغضاء، اعصر و یسقی که به ترتیب به مسبب، ملازم، ذات، پیامد، مراحل تهیه و حالت نوشاندن خمر اشاره دارند؛ یا دارای تقابل و تضاد با خمر هستند؛ نظیر ذکر الله، صلوة، تعلّموا، رزقاً حسناً، ماء، لَبَن، عَسَل و خمرِ بهشتی که سه مورد اول در تقابل معنوی و پنج واژه بعدی در تقابل محتوایی و مادی با خمر هستند؛ در حقیقت پنج مورد اخیر به‌عنوان جایگزین‌های حلال، پاک و سودمند برای خمر معرفی شده‌اند. این موارد در مجموع تا حدود زیادی حوزه معنایی خمر را شکل می‌دهند.

۲. در شمار همنشینان خمر، واژه نفع و منافع نیز قرار دارد که با توجه به شان و مرتبه قرآن به‌عنوان کتاب هدایت‌گری و سعادت انسان‌ها این امر که بتوان نفع را در شمار همنشینان متقارب خمر در نظر آورد بعید می‌نماید. قرائن پیوسته و ناپیوسته در متن و خارج از متن به فهم صحیح این مسئله کمک می‌کنند. لذا منظور از منافع، منافع غیر الهی، تجاری، و ظاهراً درمانی - آنگونه که اهل خمر به آن قائل هستند - نیست؛ زیرا در ادامه آیه ۲۱۹ سوره بقره و در فراز بعدی، خداوند متعال این نوع نفع را به محاق می‌برد و با ذکر قرینه " إِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا " موضع قرآن را در خصوص عدم حلیت خمر مشخص می‌کند؛ اما از زاویه‌ای دیگر در دوره‌های بعدی با پیشرفت علوم، منافع حقیقی و صحیح از خمر کشف می‌شود؛ منافی که از مسیر و طریقی غیر از نوشیدن صرف خمر حاصل می‌گردد. این منافع حقیقی در سایه فعل و انفعالات درونی خمر رخ می‌دهد؛ پدیده الکل نمونه بارز این منفعت حقیقی است که در اثر تغییر و تحول درونی خمر ایجاد شد و برای همه افراد جامعه سودمند است. با همه تفاسیر، مفهوم نفع در شمار همنشینان مقابل و متضاد خمر در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این نفع از خود خمر و نوشیدن آن حاصل نشده است.

منابع:

- علاوه بر قرآن کریم، کتاب مقدس و اوستا؛
- [۱] آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۲] ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق)، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، بیروت: دارالکتب العربی.
- [۳] ابن عاشور التونسی، محمد الطاهر، (بی تا)، **التحریر و التنویر**، بی جا: بی نا.
- [۴] ابن منظور، (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، بی جا: شرکت انتشارات ادب الحوزه
- [۵] بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، **تفسیر مقاتل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۶] بهبودی، منیژه، (۱۳۹۴)، **"گویشوران زبان و باهم آیی"**، زبان شناخت، سال ۶، شماره ۲، صص ۶۳-۷۶.
- [۷] پالمر، فرانک، (۱۳۷۹)، **نگاهی تازه به معنی‌شناسی**، صفوی، کورش، تهران: کتاب‌ماد (وابسته به نشر مرکز)
- [۸] تفلیمی، ابوالفضل حبیبش، (۱۳۷۱)، **وجوه قرآن**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹] جعفری، یعقوب، (۱۳۸۸)، **"دلالت سیاق و نقش آن در فهم آیات قرآن"**، ترجمان قرآن، سال ۱۱، ش ۲۲، صص ۶۲-۷۷.
- [۱۰] جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، **قرآن در قرآن**، قم: مرکز نشر اسراء.
- [۱۱] حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۳ق)، **تبیین القرآن**، بیروت: دارالعلوم.
- [۱۲] خسروی زاده، پروانه، (۱۳۷۸)، **نگاهی گذرا به تاریخ معاشناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۱۳] دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۴۹)، **تاریخ تمدن مشرق زمین؛ گهواره تمدن**، مجتبائی، فتح اله، بی جا: انتشارات اقبال.
- [۱۴] رازی، ابوالفتوح، (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روح الجنان**، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۱۵] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق-بیروت: دارالعلم-دارالشامیه.
- [۱۶] روبینز، آر، اچ، (بی تا)، **تاریخ مختصر زبان شناسی**، حق شناس، علی محمد، تهران: نشر مرکز.
- [۱۷] زبیدی، محمد مرتضی، (بی تا)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: مکتب الحیات.
- [۱۸] زمانی، مصطفی، (بی تا)، **به سوی اسلام یا آئین کلیسا؟**، قم: پیام اسلام.
- [۱۹] زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقایق التنزیل**، بیروت - لبنان: دارالکتب العربی.
- [۲۰] سبحانی، جعفر؛ محمدرضایی، محمد، (۱۳۸۴)، **اندیشه اسلامی ۱**، تهران - قم: نشر معارف.
- [۲۱] شیخاوندی، داور، (۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی انحرافات**، گناباد: نشر مرندید.
- [۲۲] صفوی، کوروش، (۱۳۷۹)، **درآمدی بر معاشناسی**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۲۳] طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، **پرتوی از قرآن**، تهران: انتشارات.
- [۲۴] طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، **المیزان فی التفسیر القرآن**، موسوی همدانی، محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۵] طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق)، **جامع البیان عن التاویل آی القرآن**، بیروت: دارالفکر.
- [۲۶] طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق)، **مجمع البحرین**، بیروت: مؤسسه الثقافه الاسلامیه.

- [۲۷] طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، **التبیین فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۲۸] طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام.
- [۲۹] عبدالباقی، محمد فواد، (۱۳۷۴)، **معجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، تهران: انتشارات اسلامی.
- [۳۰] عروسی حویزی، عبدالعلی، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**، قم: مؤسسه انتشارات اسماعیلیان.
- [۳۱] فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، **العین**، بی جا: مؤسسه دارالهجره.
- [۳۲] فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، **من وحی القرآن**، بیروت: دارالکتب للطباعه و النشر.
- [۳۳] فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، **تاریخ اندیشه و نظریات انسان شناسی**، تهران: نشر نی.
- [۳۴] قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۵] قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، **الجامع لاحکام القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- [۳۶] قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۳۸۷)، **ضیاء الشهاب فی شرح شهاب الاخبار**، قم: دارالحدیث.
- [۳۷] کاشانی، فتح الله، (۱۳۳۶)، **منهج الصادقین**، تهران: کتابفروشی محمدحسن ایلامی.
- [۳۸] کاشفی سبزواری، حسین بن علی، (۱۳۶۹)، **مواهب علیه**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- [۳۹] کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۴۰] مختار عمر، احمد، (۱۳۸۶)، **معناشناسی**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- [۴۱] مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، **معارف قرآن ش ۷**، بی جا: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۴۲] مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۴۳] معلوف، لوئیس، (۱۹۹۲م)، **المنجد فی اللغة**، بیروت: دارالمشرق.
- [۴۴] مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [۴۵] نحاس، ابی جعفر، (۱۴۰۹ق)، **معانی القرآن**، مکه مکرمه: جامعه ام القری.
- [۴۶] نورمحمدی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، **متون اسلامی علوم پزشکی**، قم: مؤسسه نشر معارف.
- [۴۷] وحدتی شبیری، سید حسن، (۱۳۷۶)، **الکل و فرآورده های آن در فقه**، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات.
- [۴۸] هروی، موفق بن علی، (۱۳۴۶)، **الابنیه فی حقایق الطب**، تهران: چاپ بهمنیار و محبوبی اردکانی.